

# ایران فرم‌سازی

به بهانه برگزاری نمایشگاه عکس

با عنوان «درباره جنگ»

## بازنمایی دو دفاع در یک نمایشگاه



فاطمه نهاری

نمایشگاه عکس‌هایی از «سعید صادقی» عکاس ایرانی و «یونس محمد» عکاس عراقی با موضوع جنگ و با عنوان «درباره جنگ» به‌عنوان اولین فعالیت‌نمایشگاهی گالری شهر در شیراز از ۳۰ دی تا ۱۴ بهمن ماه درمعرض دیدمراجعین قرار دارد.

سعید صادقی عکس‌های خود را از عملیات‌های «بیت المقدس» و فتح خرمشهر سال ۶۱، عملیات «رمضان» سال ۶۱، عملیات «بدر» سال ۶۳، عملیات خیبر سال ۶۲ و عملیات کربلای ۵ سال ۶۵ به نمایش گذارده که دربردارنده بخشی از تاریخ کشورمان است. تصویریری از

مادران که در جست‌وجوی فرزندان گمشده‌شان در جنگ هستند، زنان جوانی که همسرشان شهید شده یا مادرانی که در جنگ فرزندان‌شان شهید شده یا درحال بدرقه عزیزشان به جبهه‌ها هستند، موضوع دیگر عکس‌های سعید صادقی در این نمایشگاه است که مخاطب خود را نسل امروز تعیین کرده است. برای عکاس روایت مفاهیمی

همچون زندگی در دوران دفاع مقدس مهم‌تر از روایتگری تاریخ و چگونگی وقایع است و این موضوع از انتخاب عکس‌ها و نحوه چیدمان آن کاملاً به دست می‌آید. عکاس نیز با تأکید براین نکته در عکس‌های به نمایش درآمده تصریح می‌نماید که هدفش از به نمایش گذاشتن عکس‌هایش در این نمایشگاه نقل تاریخی واقعه وخطرغیرقابل کتمان نمایش گذاشتن پیوند جدی و محسوس زندگی و جنگ و امتداد زندگی در شرایط سخت است که قهرمانان حقیقی آن افراد عادی از بطن جامعه بودند.

همچنین مخاطبان نمایشگاه در

عکس‌های یونس محمد چهره دیگری از جنگ را که عامل آن خشونت‌ایدئولوژیک است، می‌بینند و با آسیب‌های برداشت انحرافی از مقدسات وخطرغیرقابل کتمان آن آشنا می‌شوند. مجموعه عکس‌های این عکاس عراقی گویای خشونت غیرانسانی و نامشروع جنگ داعشیان به بهانه دین

خواهی و از سر جهل است که دستاویزی برای رواج تروریسم می‌باشد. جنگی که تنها می‌تواند اهداف سیاسی اقتصادی و تبلیغی قدرت‌های بزرگ را تأمین نماید. یونس محمد در این ارتباط اذعان می‌دارد: «از ابتدای این جنگ به‌دنبال مطالعه تصویری رفتار آنان در اثبات یا رد نظرم، به شروع به تحقیق میدانی و بصری آنان در

مناطق قابل دسترس در شمال سوریه و عراق کردم. نتایج مشاهده‌اتم رابه تصویر کشیدم و در مجموعه‌ای جمع‌آوری کردم. عکس‌هایی که از من در این نمایشگاه در معرض دید قرارگرفته کوشه‌هایی ازجنایت‌ایدئولوژیک است که به تصویردرآمده و می‌تواند برای نسل‌های بعدی منطقه درس آموز بوده و آنان را تحت تأثیر قرار دهد. از این‌رو هدفم از شرکت در این نمایشگاه نشان دادن توحش‌ایدئولوژیک و تروریسم حاصل از آن و احترام گذاشتن به انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات و تلاش برای جهانی عاری از خشونت و ارج نهادن به صلح، می‌باشد.»

آنچه از برابند این نمایشگاه حاصل می‌شود چهره تلخ و دردناک جنگ است. نمایشگاه در اولین روزهای خود میزبان طیف وسیعی از اهالی هنر، فرهنگ، ادب و... بود و بازخورد‌های بسیار خوبی را دربرداشت. در این میان حضور استادان پیشکسوت عکاسی و هنرهای مختلف و چهره‌های ادب و فرهنگ که به تماشای عکس‌ها نشسته بودند بسیار ارزشمند است.

بسیاری از مردم صادقانه و صمیمی تأثیراتی را که از عکس‌ها گرفته بودند با عکاسان ومدیران اجرایی وهنری نمایشگاه وسایر برگزارکنندگان درمیان می‌گذاشتند. **ریاب خمیس** استاد و مترجم زبان فرانسه که از اهالی جنوب ایران است در نوشتاری اینگونه می‌گوید: «درست در همان ابتدای ورود، مقابل چهره زنی سرباز توقف می‌کنم. زن مرا درگیر خودش می‌کند. چهره‌ای که فاقد هر شور وافتخاری است. توی نگاهش پیر از اجبار و امتناع است. روی دیوار مقابلش زن مسلحی با شیشه به کام نوزادی شیر می‌ریزد. یونس محمد توضیح می‌دهد که کودک، فرزند این زن نیست، فرزنددشمن اوست. عکس را درزمین جنگ داشش در کرکوک عراق گرفته است. زن‌ها در عکس‌های اوخسته جنگند. گویی آنها را از دل یک میهمانی، یک مطبخ، یک مزرعه، یک کلاس درس یا یک دفتر کار، از میانه زندگی ربوده و به کارزار نقشگیر جنگ آورده‌اند.

عکس‌های سعید صادقی اما حکایت جنگ ایران و عراق است. زن‌های توی این عکس‌ها یا داغدارند یا در لحظه خداحافظی با فرزند، در تن او آمیخته و آویخته‌اند، شاید پای رفتن لنگ شود. در میان عکس‌های سعید صادقی، نخلستان واکتشی می‌بینم. نخل‌هایی بی‌سر هستند. محل عکس را می‌پرسم، می‌گوید:

خوانش منظم و یکپارچه از آثار هنری و ارتباط چشمی مخاطب با صاحب اثر، مؤلف یا هنرمند و همین‌طور اثر ثبت شده نقش تکمیل‌کننده‌ای داشته‌اند. نمایشگاه عکس جنگ هم بخشی از این نمایشگاه‌ها بوده که در بازیابی حافظه تاریخی جوامع نقش دارد. این نمایشگاه عکس به نام «درباره جنگ» که در گالری «شهر» شیراز روی دیوار رفت‌نه به ستایش جنگ پرداخته بود و نه به نکوهش جنگ بلکه به بازنمایی از واقعیت جنگ، تأثیر و تأثرهایش پرداخته شده است. آن هم عکس‌های دو عکاس از دو جبهه متفاوت که هر دو جنگ را نه تنها در کشور و زندگی

خوش منظم و یکپارچه از آثار هنری و ارتباط چشمی مخاطب با صاحب اثر، مؤلف یا هنرمند و همین‌طور اثر ثبت شده نقش تکمیل‌کننده‌ای داشته‌اند. نمایشگاه عکس جنگ هم بخشی از این نمایشگاه‌ها بوده که در بازیابی حافظه تاریخی جوامع نقش دارد. این نمایشگاه عکس به نام «درباره جنگ» که در گالری «شهر» شیراز روی دیوار رفت‌نه به ستایش جنگ پرداخته بود و نه به نکوهش جنگ بلکه به بازنمایی از واقعیت جنگ، تأثیر و تأثرهایش پرداخته شده است. آن هم عکس‌های دو عکاس از دو جبهه متفاوت که هر دو جنگ را نه تنها در کشور و زندگی



تجربه کرده‌اند؛ بلکه آن را به‌عنوان یک سند تاریخی ثبت کرده‌اند.»

**عادل یزدی** یکی دیگر از هنرمندان و مدرس‌ان اهل هنر و اندیشه مطرح شیراز که دکترای فلسفه و حکمت هنر دینی دارد، می‌گوید: «این نمایشگاه انگیزه‌ای برای به‌وجودآوردن نگاه و در حقیقت چیزی شبیه به الگوهای غیرمستقیم و تعریف‌شده از واقعیت‌های اجتماعی و امروز معاصر و انسان و اتفاق‌هایی که دارد می‌افتد را به طور خیلی ظریف آموزش می‌دهد. در حقیقت با نگاهی که عکس‌های امروز را به سمت گونه‌های متفاوت عکس از جمله مدلینگ، طبیعت و حتی برخی از نگاه‌های اجتماعی می‌برد، کمی متفاوت است از عکس‌هایی که از جنگ نشان داده می‌شود. چه عکس‌هایی از سعید صادقی که از جنگ ۴۰ سال پیش است و چه عکس‌هایی که نگاه معاصر را در آن دارد و با عکس‌های یونس محمد می‌توان آن را دید.

واقعیت‌هایی از جنگ که از دیروز تا امروز در حال رخ دادن است و به من می‌گوید که دیروز چه اتفاقی افتاده و امروز

نگاهی به مجاهدت‌های

علامه محدث نوری

احیاگر میراث تشیع

◀ | صفحه ۱۵

اسکارهای امسال به چه کسانی می‌رسد؟ (قسمت آخر)

از یورش تازه کولمن تا ارتقای درجات کلونی

◀ | صفحه ۱۴

چه کسانی اولین ضربه‌ها را

به ارتش عراق زدند



علی غفوری

نویسنده

یکی از اتفاقات غم‌انگیز زمانه ما فراموشی نقش قهرمانان جنگ‌های هوایی کشور است. در نیمه دوم قرن بیستم تعداد جنگ‌های هوایی بزرگ و طولانی چندان زیاد نیستند؛ جنگ کره (۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳)، جنگ ویتنام (۱۹۶۴ تا ۱۹۷۳)، جنگ‌های اعراب و اسرائیل و سرانجام جنگ فالکلند (۱۹۸۲). سایر جنگ‌ها یا بسیار کوچک بودند یا درگیری‌های هوایی کاملاً یکطرفه بود مانند جنگ متحدين و ارتش عراق یا جنگ‌های صرب‌ها و ناتو. اما جنگ ایران و عراق در سال‌های ۵۹ تا ۶۷ (۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸) از همه نظر در نبردهای هوایی، یک استثنا بود. خلبانان دو کشور به‌دلیل شرایط خاص این نبردها مجبور به انجام کارهایی بسیار سخت شدند و ۸ سال تمام در نبرد مرگ و زندگی سعی کردند ضمن خنثی کردن تحرکات نیروهای هوایی طرف مقابل، سایر قوای نظامی را نیز از کار ببندازند.

در این میان بسیاری از رکورد‌های جنگ‌های هوایی در این رخداد استثنایی توسط خلبانان ایرانی شکسته شد. خلبانان ایرانی اقدامات شگفت‌انگیزی انجام دادند، حتی با خلبانان امریکایی، سعودی، آلمان شرقی و ... سرشاخ شدند. اما افسوس که به این دلوری‌ها در حدی درخور پرداخته نشد.

بسیاری گمان می‌کنند ارتش ایران در جنگ کاملاً غافلگیر شد حال آنکه اینگونه نبود. جنگ بویژه برای نیروی هوایی ارتش بسیار زودتر از ۳۱ شهریور ۵۹ آغاز شد. حتی اف-۱۴ها که به اشتباه گفته می‌شد در ماه‌های اول جنگ نقشی نداشتند از همان هفته‌های اول شهریور گشت‌های خود را آغاز کردند. در ۱۶ شهریور ۱۳۵۹ یک اف-۱۴ با رهگیری یک هلی‌کوپتر عظیم‌الجثه میل ۲۴ در داخل مرز، آن را به گلوله بسته و با توپ ولکان خود آن را به آتش کشید.

اما معروف‌ترین و اثبات‌شده‌ترین نبرد هوایی اف-۱۴ در ۱۹ شهریور رخ داد. در آن روز سرگرد خلبان محمدرضا عطایی از خلبانان برجسته گردان‌های اف-۱۴ و از استادان باسابقه نیروی هوایی که صدها ساعت پرواز با اف-۵ را نیز در کارنامه خود داشت به همراه سروان خلبان بهروز پاشاپور در یک درگیری هوایی زیر نظر سایت راداری سوباشی، اولین فوئیکس را از اف-۱۴ شلیک و سوخوی ۲۲ عراق را در فضای میمک از فاصله دور سرنگون کردند. سرتیپ عطایی درباره وقایع آن روز (میزگرد تحلیلی نقش نیروی هوایی در دفاع مقدس ۲۸ آبان ۹۲) می‌گوید:

۱۹ شهریور در حوالی بستان در حال پرواز بودیم که رادار اعلام کرد یک هواپیمای عراقی در حال ورود به خاک ایران است آیا درگیر می‌شوید؟

ما در آن زمان دستور داشتیم به هواپیمای عراقی در خاک خودش حمله نکنیم بنابراین من عجله نکردم و گفتم بله اما سوخت کم دارم و به سمت اون نمی‌روم. لحظاتی بعد ۴ هواپیمای دیگر از کوت (جنوب شرق بغداد) بلند شدند. رادار گفت: آیا هنوز درگیر می‌شوی؟ پاسخ من مثبت بود. گویا آنها از برنامه من برای کشتادن آن یک فروند به داخل خاک ایران

باخبر شدند بنابراین آن یک

فروند به عراق بازگشت، من

هم با تغییر مسیر به سمت

اصفهان حرکت کردم که

ناگهان پس از طی ۲۵ مایل

رادار هشدار داد: ۴ فروند

هواپیمای عراقی پشت

سر شما هستند. مطابق

محاسبات من و سروان

پاشاپور (کمک خلبان)

ایران می‌بودند بنابراین من

برگشتم و آماده درگیری شدم

اما برخلاف انتظار هر ۴ فروند

بازگشتند غافل از اینکه یک

سوخوی ۲۲ با هدف غافلگیر

کردن ما از سمت همدان در

حال نزدیک شدن بود.

هواپیمای دشمن در ارتفاع پایین با سرعت در حال حرکت بود که ما او را در رادار گرفتیم. در آن زمان هنوز خلبانان اف-۱۴ تجربه زیادی از نبردهای واقعی هوایی نداشتند. عطایی حتی نمی‌دانست که آیا فوئیکس واقعاً قادر به سرنگون‌سازی هواپیمای با قدرت مانور و چالاک سوخوی ۲۲ از فاصله ده‌ها مابلی هست یا خیر.

زمان بسرعت می‌گذشت و عطایی تصمیم خود را گرفت. باید موشک هر چه زودتر شلیک می‌شد. سوخوی ۲۲ با سرعت در حال کم کردن فاصله خود با تامکت بود و دو خلبان باید تصمیم می‌گرفتند. عطایی می‌گوید: اکنون موقع استفاده از موشک فوئیکس بود و ما که هیچ کدام تا آن زمان فوئیکس استفاده نکرده بودیم آن را روی هدف قفل کرده و موشک را شلیک کردیم. ابتدا گمان کردم موشک از دست رفته چون ارتفاع آن به‌شدت کاهش یافت اما آنگاه که اوج گرفت و با سرعت به سمت هدف رفت فهمیدم تا ثانیه‌های دیگر چیزی از هواپیمای متجاوز نمی‌ماند. کامپیوتر هواپیما شمارش معکوس را آغاز کرد و ثانیه‌ها بسرعت می‌گذشت.

وی می‌گوید: چشمان من به کامپیوتر دوخته شد تا آنکه عدد صفر به نمایش درآمد، آنگاه هدف از روی رادار محو شد. مسئول رادار سوباشی و ما تقریباً هم‌زمان اعلام کردیم که هواپیمای دشمن از بین رفته است. ما چون سوخت نداشتیم رقیتم و در ذرفول نشستیم، البته واهمه داشتیم که دشمن پایگاه را بزند که البته عراق از شوک این ضربه کاری نکرد.

■ **سرنگونی بی دربی هواگردهای دشمن**

در ۲۴ (۲۵ یا ۲۵) شهریور نبردهای هوایی شدت بیشتری یافت، در سریل ذهاب یک میگ ۲۱ شناسایی و جنگنده همراهش اسر یک فانتوم از پایگاه همدان شد و در دهلران ۲۰ و یک بالگرد عراقی توسط اف-۵های ذرفول ساقط شدند و پدافند نیروی هوایی نیز ۲۱ میگ ۲۱ را سرنگون کرد، البته ایران نیز مجبور به تحمل خسارت سقوط یک اف-۵ و یک هلی‌کوپتر بل-۲۱۴ شد. عصر همان روز یک میگ ۲۱ دیگر نیز شکار یک فانتوم شد.

از دیگر خلبانان فعال آن روزها سروان فریدون مازندرانی خلبان اف ۱۴ بود. وی می‌گوید: در اولین درگیری من در ۲۶ شهریور با ۲ هواپیما روبه‌رو شدم. رادار همدان اعلام کرد که ۲ هواپیمای عراق در حال حمله به مهران هستند. زمانی که به ۱۱ مابلی آنها رسیدم دیدم با خیال راحت انگار که در حال تمرین هستند. شهر را به راکت بسته‌اند. ارتفاع آنها ۳۵۰۰ پا بود. بلافاصله فوئیکس را (راکابین عقب خلبان قاسم سلطانی) شلیک کردیم. دسک (واحد هماهنگ‌کننده عملیات) کرمانشاه نیز گزارش سقوط را تأیید کرد.

عکس، ادیب خلیان‌سالار

نمایی از نمایشگاه عکس‌های سعید صادقی و یونس محمد با عنوان «درباره جنگ»

◀

بسیاری گمان می‌کنند ارتش ایران در جنگ کاملاً غافلگیر شد حال آنکه اینگونه نبود.

جنگ بویژه برای نیروی هوایی

ارتش بسیار زودتر از ۳۱ شهریور

۵۹ آغاز شد. حتی اف-۱۴ها

که به اشتباه گفته می‌شد در

ماه‌های اول جنگ نقشی

نداشتند از همان هفته‌های اول

شهریور گشت‌های خود را آغاز

کردند